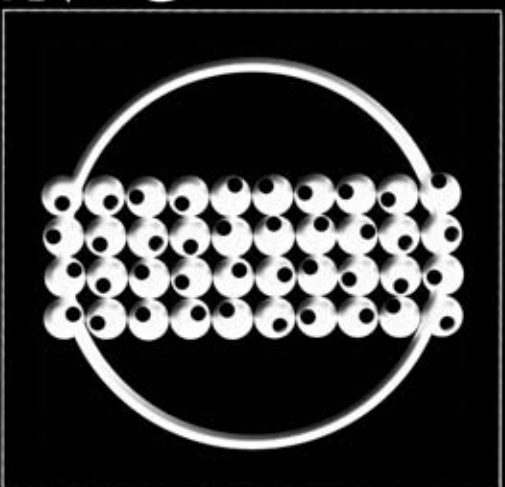


کمدی - استثنو ره‌ی مسی‌ز

جواب چپانی فوتبال و چرا من دیگر فوتبالیست نیستم؟!

پروا تقاسم حسینی
Ara_hos2000@yahoo.com



طرح: علی مفردی، نگاه تازه

جای خوش حالی دارد و این حاکی از نوعی روحیه‌ی خود کم انگاری ما در مجامع بزرگ جهانی است. در حقیقت، ما و بریتان و آمریکا و مدیران ورزشی کشورمان انتظار داریم از فوتبال خود ندریم و تنها به ازادگی بازی‌های مطلوب - که لفظی کنفی و ذهنی است - بسنده می‌کنیم و این از سوی نشان‌دهنده‌ی ناشین شهامت جهانی و عدم پذیرش بازی و وجود برخی موانع ذهنی و فرهنگی، و از سوی دیگر نشان‌گر در دست نبودن استثنایان و منابع و مقایسه‌هایی برای اروپایی و پانسی میزان رشد و حرکت در زمینه‌های مختلف است. البته از زمانی که پانسی بازیکنان پرجمعیتی کشورمان به باشگاه‌های بزرگ دنیا باز شد برخی از تپوهانی فرهنگی ناشی از خود کم انگاری شکسته شد. یکی دیگر از جلوه‌های فرهنگی فوتبال در کشور ما، جریان مباحث نیمه تخصصی و تخصصی نقد و بررسی فوتبال و مسائل دوری آن است که در پی گشایش و بسط افق و فضای تکراری جامعه و استقبال مردم از آن، رشد یافت و پدیدار شد و به طور کلی می‌تواند روحیات و دیدگاه‌های متغیانه را نه تنها در فوتبال بلکه در سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی به سطح جامعه تسری دهد.

فوتبال - طبقه‌بندی اجتماعی:

اولین‌بار فوتبال با شمال اروپا آشنا شد در انگلستان در حال صنعتی‌شدن بازی شد در مقایسه با ایتالی و اسپانولی که ورزش‌های وودی طبقه‌ی متوسط پورآزمینه شهر می‌آمد فوتبال ورزشی ارزشی‌بود، آزان بودن و توفیقین آسان آن باعث شد که خیلی زود در میان طبقه کارگر و کم درآمد رواج یابد. کارخانه‌داران و صاحبان صنایع هم بدشان نمی‌آمد چون آن‌ها در ناخودآگاه خود معتقد بودند که فوتبال با همه‌ی نظم و نزاع نهادی‌اش نوعی مجرای مطمئن برای تخلیض فشارهای وارد بر طبقه‌ی کارگری و متوسط جامعه است، از سوی دیگر فوتبال نیاز کارگران و طبقه‌ی کم درآمد را برای گذراندن وقت آزاد خود در قالب رفشاری که هم جسمی و هم فزوی باشد، به خوبی برآورده می‌کرد. بگذریم از این که کارگری‌ها هم که در وقت آزاد خودشان فوتبال بازی می‌کردند به نوعی در چشم‌پوشی قدرت صاحبان سرمایه و سرمایه‌داران بودند چون جهت نام‌قلان مؤسسه یا کارخانه یا در زمین فالان سازمان یا باشلی فالان صنایع بازی می‌کردند اما با همه‌ی این‌ها فوتبال اکاهی طبقه‌ی ایجاد نکرد بلکه اکاهی از فاصله‌ی طبقاتی را به وجود آورد و این مساله تاکنون هم ادامه دارد چرا که بازیکنان اغلب از طبقه‌ی کم درآمد و متوسط جامعه و باشگاهداران و سیاست‌گزاران فوتبال اغلب از سرمایه‌داران و صاحبان صنایع و سرمایه بوده و هستند. حتی امروزه تیمه‌ی بلط مسابقات حساس و جذاب و تماشاگر بازی‌ها به علت قسمت بالا از عهده‌ی طبقه‌ی کم درآمد خارج است، در هر صورت این گرایش‌های سرمایه‌داری، باشگاه‌های سرمایه‌داری

حالا که یاد می‌آید از زمان آوج ستاره‌های چپانی دوران نوجوانی ام، من هم «فوتبالیست» بودم. آن زمان، فوتبال و همچنان چنین و بس از بازی‌ها، بسیار مالدن برای دیدن مسابقات، دانستن نتیجه‌ی بازی‌ها، دانستن شناخت نامی بازیکنان، باشگاه‌ها، جمع‌آوری عکس‌ها و پوسته‌های فوتبال و به طور کلی، زین از فوتبال و زینت درباری آن، عرصه‌ای بود برای طراحی و ظهور جوانمردی شخصیت یک نوجوان و تلاشی او برای ازادگی تمرینی از خود چرا که جامعه‌ی که او در آن زاده شده بود چنان زود درگیر مسائل و مشکلات اقتصادی و امنیتی مل تجربه و جنگ شده بود که نتوانسته بود مختصات و مشخصات و جایگاه اجتماعی و فردی آن نوجوان را به او پشانداند اما حالاً، پیشتر یادم می‌آید سال‌هاست که او دیگر فوتبالیست نیست، این که چرا و از کی، شاید از وقتی که دریافت فوتبال، آن بازی تپوشتمی که او تجربه‌مان‌اش باشد، نیست.

از روزگاری که ساخت گرامی، پسا ساخت گرامی، شادوده شکنی و وساری و ... امکان آن را فراهم آورد که درباری تمام پدیده‌های جهان به مثابه‌ی یک متن مبتنی بر افرینش و بر ساخته از نظامی‌شاه شناختی سخن‌انی شود، فوتبال هم دست مایه‌ای شده برای تپوشتمی همان کسبی که درباری تک‌تپوزی رتیک و تولید اندام انسانی در آزمایشگاه، به مثابه‌ی یک اثر اثری می‌باشد. پرجمته شده از جریان‌شناختی دانش و تکنولوژی سخن گفتند همان کسبی که در مقاله‌ها و مقال‌ها حق را به شهروندان دادند که در تفاوت شهرها نمی‌گویند! همان کسبی که درباری مد و مفهوم سیاسی رنگ‌ها سخن گفتند، امروز درباری فوتبال حرف می‌زنند. برخی - از آن شیفته‌های‌اش - می‌گویند فوتبال یک واقعیت فرهنگساز است که مفاهیم گسترده‌ی فرهنگی را در بیان خود دارد و از آن جا که ورزش فوتبال هیچ ستاره‌ی ندارد و کاملن خلق الساعه و اساس دارای خصات متویج و متکثر و زاناست، می‌توان به آن به دیده‌ی یک یک اثر سوزنی زیبا و حتی هنری - چشم‌پوشی و مختصاتی زیباشناختی برای‌اش قابل شد. عده‌ی - از آن خبی‌های‌اش - می‌گویند فوتبال امروز دیگر یک ورزش نیست بلکه بازی‌ای است که مختصات افق آن را نااوتبال‌ترین مفاهیم عسرم را رقم می‌زنند.

فوتبال - جامعه - فرهنگ:

تپ فوتبال که بالا می‌گیرد، جامعه، آدم‌ها، روابط و مناسبات، مشاغل و کسب و کارها و ... شکل دیگری به خود می‌گیرند. تپ فوتبال زن و مرد و سیر و جوان همه را در می‌گیرد. جوان‌ها فوتبال را به عنوان مخزن برای کسب و تخلیضی هیجانات و اخبار و آمار می‌بندد. پیروها از شاهده‌ی هیجان جوان‌ها خنده‌های تانخی می‌کنند و سعی

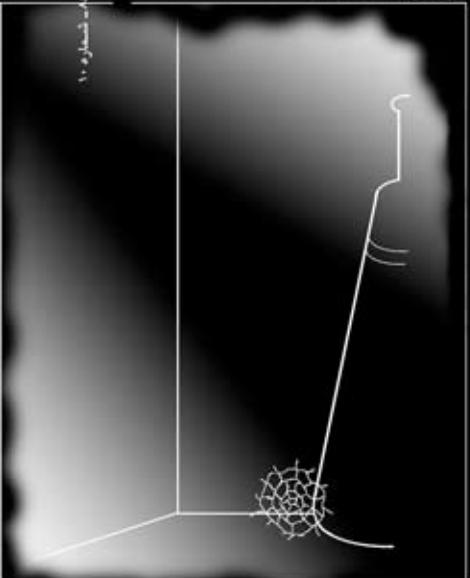
فوتبال به واسطه‌ی تنیده‌گی در بیکر جامعه، نقش مهمی در ساختار فرهنگی جوامع و اساسن در شکل دادن به فرهنگ جامعه ایفا می‌کند و گاهی نمود‌های فرهنگی خاص یک جامعه به خوبی در عرصه‌ی فوتبال آشکار می‌شود

دنيا را به پياده‌هاي غول‌آساي اقتصادي تبديل کرده است و اين، زمينه‌ي تبديل ورزشي فوتبال به ابزار براي بازي‌ها و مقابله ديگر را فراهم مي‌کند.

فوتبال - جنسيت:

فرهنگ باستانى مردسالاري در جهان، در عرصه‌ي ورزشي نيز جاگزيه ولا و دست اولي براي زنان در نظر نگرفته است. در عرصه‌ي کنورورها فوتبال در دل حاکميت مردان در سطح قرون‌گذاري و اجرا در مي‌آيد. فوتبال ورزشي خلق شده توسط مردان براي مردان و در خدمت مردان است که با سابقه، تجربه و توانايي‌هاي جسمي ايشان هماهنگ بوده هم آنان را سرگرم مي‌کند و هم ذهن سازنده‌ي مردان را به همچنان درمي‌آورد. در فوتبال بزرگي منكر بر موفت يك پيش انگاره و اصلي انگار و روش است. فوتبال عرصه‌اي براي حلقه مردان نيست چرا که هر مردى با قامت بلند با كوفته مي‌تواند از کنار ستار مردان، برچسته باشد و حتی در صورت شکست مي‌تواند با افتخار و سربلندي از زمین خارج شود. احساسات و اعمال زنانه‌ي مانند گريستن و اشک ريزدن در فوتبال معنای کامل مردانه‌ي بافتلاند و به نشانه عورت نفس و غرور، که ارزش‌هاي مردانه‌ي تبديل مي‌شود. با اين ترتيب در فوتبال استوردي بلامنام و شکستخيزاندير «مرد» بزرگتر و قوتمندتر مي‌شود. يازده مورد مانند لشکري يازد زمين مي‌شوند تا حرفت را شکست بخندد و تماشاگران مانند عير گلادياتورها براي شان فرياد مي‌کنند و تحسینشان مي‌کنند و در اين جاي گاه زن در موقع تماشاگر و تحسین کننده مرد قرار مي‌يابد. گرچه در سال ۱۹۴۹ تصلايه فوتبال زنان تشکيل شد و یک سال بعد جام جهاني غير رسمي فوتبال زنان در ايتاليا برگزار کرديد اما همان تيروهائي که فوتبال را به یک بازي تبديل مي‌کنند، جام جهاني فوتبال زنان را به ورطه اي براي تمايش جنسي تبديل کردند که امروزي از رفوس و موسيقي و تجارت بود. در زماني شدند حتی از سمولان برخي تپه‌ها خواسته شد لباس‌ها را چسبان تر و بدن نمايز در نظر بگيريد و بلافاصله امسالاجي مانند تورينارين پارکي فوتبال (زنان) جهان، دست دومي بودن و جنسهاي بودن، چس زن را در اين ورزش بيان کرد. در هر صورت در جهان مردسالار کوبه، فوتبال زنان، حقا حقيتر از فوتبال پسرجهاست که طوري که يکي از گزارشگران فوتبال زنان در جايي که از تماشاهاي بازي به همچنان آمده به طور ناخوداگاه مي‌گويد: «... اين فوتبال زنان نيست بلکه یک فوتبال واقعي است.» مدير احاديدي فوتبال زنان انگليس مي‌گويد مردان براي تماشاهاي فوتبال نهي ايند بلکه براي چشمچراني مي‌آيند امروز ۱۰ تا ۱۵ درصد از تماشاگران ديوارهاي باش گاهي انگلستان را زنان تشکيل مي‌دهند دولت انگلستان براي جلوگيري از ايراشي گري در ورزش گاهها از حضور زنان و خانوارها - که حضورشان ارشش و امنيت را در بيان خود دارد - حمايت مي‌کند و تسهيلات و جاي گاههاي ويژه‌ي براي ايشان در نظر مي‌گيرد که اين نيز خود نوعي استفاده ايرازي از زن در فوتبال است و با همي اين ها فوتبال ورزشي مردانه باقي مانده است و گونا مردان هم پيشان نمي‌آيد که اقتدار خود را در اين عرصه از کف نهدند. شايد دويدن آن تماشاگر شورشي پرمه به ميان مسابقه فوتبال نوعي ذهن کجی به مردانه کي پيش از اندازه‌ي فوتبال و در واقع مردان کننده سرشت مردانه‌ي فوتبال بود.

طرح: علی مقددی، نگاه تازه



مي‌کنند با سوال‌هاي غير تخصصي و ناشايه از موضوع سر در بياورند و همواه شوند و اين جريان آن‌ها را به ورطه‌ي عميق‌تري از بوسستاني و تهايش و اندوه ورطه‌اي از دست رفته مي‌کشاند. زن‌ها تلاش مي‌کنند به هر شکلي که شده از سد مردانه‌ي فوتبال بگذرند و اگر نتوانند در برابر آن موضع مي‌گيرند. پنجهما دنياي کامل باطني بلوغ یافته‌کان را تليل و بازياري مي‌کنند خودشان را در مرکز آن دنيا قرار مي‌دهند و هج مانع و عامل جاذبي را مي‌بينند و به حساب نمي‌آورند. خيال پرور مي‌شوند و باشيروار خود را قهرمانی در لباس ستاره‌اي بر آوازه مي‌بينند و در طول روز - و شايد حتی در خواب - خود شکستخسته و همچنان زده‌ي گزارشگران ورزشي در ذهنشان مرور مي‌شود. اينها حتی راه رفتن و دويدن و نشستن خود را با همان نحو روايت مي‌کنند و به خود بازي مي‌تابانند. نوع خاصي از کچه کلامها و گونه‌ي خاصي از سخن در جامعه جاري مي‌شود ذهن‌ها به همگرايي به سوي نقطه‌ي کامل ذهنيتي ميل مي‌کند. آن نقطه‌ي ذهني همان زمين تروين پندرها را در برابر چشمان مان قرار مي‌دهد، اما با پراکندگته و به تصور ما عمي تروين پندرها را در برابر چشمان مان قرار مي‌دهد، اما همه چیز حتی قامت و اندام آن نيست و دو تفه، ذهنيتي خام و سبال پيش نيست، جانيات‌هاي بسوي فوتبال سساله «لدين» را بر اهميت مي‌کنند همه سعی مي‌کنند چند دقيقه هم که شده سابقه را تماشا کنند سساله «لانتين» هم بر اهميت مي‌شود چرا که اطلاع از خبر فوتبال مي‌تواند یک عامل اقتدار ساز در گفتگوها باشد. همه سعی مي‌کنند حتی اگر شده در تاسي از کسی نتيجتي بازي‌ها را بپرسند تا در جريان خبرها باشند.

بازار عرصه‌ي برخي محصولات صوتي - تصويري مثل تلويزيون و انستون و ... واقع مي‌شود. در مکان‌هاي عمومي، مغازه‌ها، سوپرمارکت‌ها، بيگانه‌ها، سالن‌هاي انتظار مطبخها، داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها، انبارها و اسرمان‌ها تلويزيون نصب و روشن مي‌شود. طبقات تلويزيون را پودر رختشويي گرفته تا چيس و پنک و لوازم تيزبال و ابزار و آلات، همه و همه با فوتبال مرتبط و هماهنگ مي‌شود. در گوشه‌هاي موبایل sms هاي فوتبال، رد و بدل مي‌شود. بازي گزارش‌ها نشان مي‌دهد که يازده کاري در برخي سازمان‌ها اوقات مي‌کند چرا که سيورهاي منزي مامور پيگيري فوتبال و هوش و جواسي معلوف آن است. برخي از مسائل و حرفه‌ها ساعات کاري خود را با ساعت و سباقات تنظيم مي‌کنند. دولت‌ها نيز هنگام با مردم به تب فوتبال تن مي‌دهند و پخش تامها و دستورهاي مستلپ با آن صادر مي‌کنند. ملن در مورد سباقات طولاني مدت جام جهاني سعی مي‌کنند استحضات دانش آموزان با آن هم زمان باشند. همي اين‌ها گونه‌ي سيوره و نمود فوتبال بر جولي امروزي است تا حدی که آن را به استوردي امروز تبديل کرده است. استوردي که از بنديت جامعه، تذييمي کند و ساپهي خود را بر تمام پیکر جامعه مي‌گستراند.

فوتبال به واسطه تيمه کي دريکتر جامعه نقش بهي در ساختار فرهنگي جولي و اساسي در شکل دادن به فرهنگ جامعه ايفا مي‌کند و گاهي نمونه‌هاي فرهنگي خاصي یک جامعه در کوبه در عرصه‌ي فوتبال اشکار مي‌شود. ملن در ترکيه دغغياي پر شور و فراخ براي اروپايي شدن وجود دارد (همان قسمي دويين شرق و غرب)، اندام اروپايي ستنی و غرب باوري و غيرمحموري و تلاش به منظور نمايش خود به عنوان یک کشور گسترش یافته و متمدن با معيارهاي اروپايي، به روشني در فوتبال اين کشور قابل ردائي است. شايد همین گرايش‌ها بود که باش گاه گلادياتوري را در جام باش گاههاي اروپا به پيروزي رساند و با نامت موفقيت‌هاي چشم گير و مرمود تيم ملي ترکيه تا مرطحي یک چهارم نهائي و کسبه‌قام چهارمي جام جهاني ۲۰۰۴ شد. فوتبال ايران نيز از ديواره پيشتر بر قابليت‌هاي فردی و حرکت‌هاي انفرادی و کارگسائي هاي منحصر به یک روي‌هاي بازيگان برچسته و ممتاز نيکي بوده تا بر کار گروهي و حرکات مستحجم و سازمان یافته و استراتژيکي تيمي و اين مي‌تواند بر آمده از فرهنگ فردمحموري و تفه حضور ديگران و تاملتني تفکر جمع باوري و کار تيمي در تاريخ ما باشد. در منابع و رساله‌ها از زبان آدم‌هاي سساله مي‌شنويم که جدی گرفته شدن تيم ملي ايران از سوي حرفه‌ايان قدرتمند خود نوعي موفقيت به شمار مي‌آيد و

ابراز احساسات گلزنان و پیروزمندان صحنه‌ی فوتبال. امروز بیش از هر زمانی صبحه‌ی مذهبی پیدا کرده است: صلیب‌هایی که کشیده می‌شود، نگاه‌هایی که به آسمان می‌رود، انگشت‌های اشاره، فریاد‌های پرشور خالصانه، برخاک افتادن‌ها، سجده‌ها و ... نمایان‌گر گرایش‌های مذهبی و هویت‌بازیکنان است

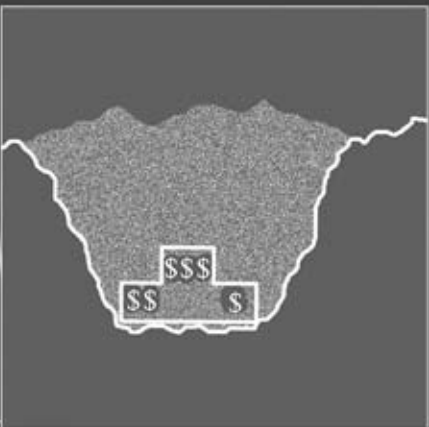
است. کسانی که سروصدای جنگ و خشونت و کتار دنیا گوش و روان‌شان را پر کرده است. هوپیکان‌ها فغانه‌ی تراغ تاغل زمین را به بیرون از ورزشگاه‌ها می‌کشاند و این نوعی پرده‌برداری از روح آشفته و متلاطمی است که بر دنیای فوتبال حاکم است و در پشت چهره‌های اتوکشیده و ورزشگاه‌های غول‌آسا پنهان شده است. در دنیای هوپیکان‌ها هم طرفداران تیم پیروز و هم طرفداران تیم شکست‌خورده دست به اشتباه می‌زنند که در صورت اول ادامه‌ی حس تلخ و تخریب‌سازان فوتبال به صورت دوم تخطئه و جبران حس شکست‌خورده‌گی آن‌هاست.

لویس‌گری و مسابی از جمله بازیکنانی (برای مثال در آلمان) قوم پرستی (برای مثال در ایتالیا) برتری سفید بر سیاه (فرانسه، برزیل، انگلستان، آمریکا و ...) و برتری غرب بر شرق و ... بخشی از فوتبال امروز است و هنوز می‌بینیم بازیکنان سفید پوستی را که به خاطر توپین به هم زده‌های سیاهان جزیمه یا محروم می‌شوند اگر چه فوتبال در آغاز، ورزشی طبقه‌ی کم‌آمد و متوسط و کارگر بود اما به تدریج می‌رسد امروز حتی بهترین بازیکنان با استعداد در صورتی که - به هر شکلی - مورد تأیید و حمایت دست‌ها و اشخاص و نیروهای با نفوذ و مقرب دخیل در فوتبال قرار نگیرند، جایی در ورزش حرفه‌ای نخواهند داشت؛ از این دیدگاه، آپایش‌گری ارضای استعدادها و احساسات سرکوب شده‌ی گروهی از فوتبال دوستانی است که به دلیل فقر یا محرومیت یا نداشتن آن «سهاده‌ی اقبال» نتوانستند فوتبالیت بشوند و به زمین سابقه‌راه یابند اما سابقه‌راه با اپوز و روش و زبان خودشان چهره‌ورزش‌گاه، چه در خیابان و چه در کاخ‌ها و باوق‌ها ادامه‌ی خدمت، برای هوپیکان‌ها «مبارزه» و «فوتبال» دو کلمه و دو مفهوم کلیدی و اساسی است. هوپیکان‌ها زندگی و دنیای خود را با فوتبال تبیین و بازمانعی می‌کنند. آنها به فوتبال متد هستند نه به ورزش و تنم انگیزش زندگی آن‌ها فوتبال و تیم و بازیکنان مورد علاقه‌شان است و همه‌ی این‌ها برای‌شان مانند سوکتی مقدس است که جایی برای فکر نمی‌گذارد و در این مسیر حتی راه مبارزه را هم برای آنان باز نمی‌گذارد.

فوتبال - سیاست:

فوتبال با شامل امروزش از حدود سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۳۰۰ بر اثر مرادتهای سیاسی و حضور بیگانه‌گان و به ویژه انگلیسی‌ها به ایران آمد و سرچشمه گرفت، در سال‌های ۱۳۰۰ به بعد بانک شاهنشاهی و تک‌گراف خانه که کارمندان انگلیسی داشتند صاحب تیم فوتبال بودند همچنین رونق فوتبال در اهواز و آبادان به واسطه‌ی حضور انگلیسی‌ها در چاه‌های نفت و پالایش‌گاه‌ها بود اما به هر جهت فوتبال در بسیاری از کشورها ورزش ملی است یا حداقل کیفیت ملی پیدا کرده است. در طول عمر کوتاه ورزش فوتبال شوم، بسیاری وجود دارد چگای از این که فوتبال‌های وجهه‌ی سیاسی نیز به خود می‌گیرد.

پس از جنگ جهانی اول (۱۹۳۸-۱۹۱۹) انگلستان که خود را سرور فوتبال دنیا می‌دانست اعلام کرد که با دستان تیره‌ی جنگ (صل‌المان) سابقه‌برگزار نخواهد کرد و تقاضا کرد تا کشورهای المان، مجارستان و اتریش از قیفا اخراج شوند اما قیفا پذیرفت و انگلستان به معمار ستاره‌خیزی بریتانیایی (اسکاتلند - واز - ایرلند) از قیفا خارج شدند. اسکاتلند واز و ایرلند در قالب سیاسی بخشی از انگلستان محسوب می‌شوند اما ملی‌های خود را تشکیل داده‌اند و با پرچم خود به میان با می‌گاز، تپولین نمایان از ملی آن‌ها به استقلال سیاسی است. رویاوری کشورهای غربی با بلوک شرق نیز همواره متضمن معنای سیاسی بوده است که به‌سخت هنوز هم ادامه دارد مانند بازی داغ و پرشور المان و انگلستان در جام جهانی ۲۰۰۶ که پس از بازی نیز شورش‌ها به شیوه‌ی



طرح: علی مفردی، نگاه تازه



طرح: علی مفردی، نگاه تازه

فوتبال - مذهب:

فوتبال با مذهب نیز آمیخته‌گی‌هایی دارد. شاهد بارز این مسأله را در اسکاتلند و ایرلند می‌توان دید: بازی‌گاه «هلیک» متعلق به کاتولیک‌ها و بازی‌گاه «برنجرز» متعلق به پروتستان‌ها بود و گاهی تقاضاهای مذهبی ایران به نامن فوتبال کشیده می‌شد. ابراز احساسات گلزنان و پیروزمندان صحنه‌ی فوتبال، امروز بیش از هر زمانی صحنه‌ی مذهبی پیدا کرده است؛ صلیب‌هایی که کشیده می‌شود، نگاه‌هایی که به آسمان می‌رود، انگشت‌های اشاره، فریادهای پرشور خالصانه، برخاک افتادن‌ها، سجده‌ها و ... نمایان‌گر گرایش‌های مذهبی و هویت‌بازیکنان است و از روزی فوتبال به مفاهیم بلند و دوری که در پس زمینه‌ی ذهنی آگاه بشری جولان می‌دهد اشاره دارد.

اصلی‌گای برای یک لحظه بند نیست شگ گیم که فوتبال خود نوعی مذهب است و این تفکر وقتی بر رنگ‌بندی می‌شود که نوع رویکردی برخی از تماشاگران بازیکنان و آن فریادهای روحی و روانی آن‌ها در میان، آن تلویح و سکوت‌شان در میان همه‌ی فریادها و سوت‌ها و ... را می‌بینیم. در جام‌ها و مسابقات مختلف می‌بینیم و می‌شنویم که بعضی ذکر مذهب بازیکنان و باشگاه‌ها و تیم‌ها باعث انگیزش احساسات خاصی در تماشاگران می‌شود؛ ملن محبوبیت فوق ستاره‌ایزایی نیز فرانسه در جام‌های کشورهای مسلمان به دلیل هم‌گویی است و حس افتخار تماشاگران مسلمان را برمی‌انگیزد به طوری که گوازش‌گران فوتبال همیشه گیش او را هم ذکر می‌کنند مسابقات تیم‌های مسلمان با تیم رژیم اسرائیل که گیش یهودی دارند نیز همواره در حساسیت بالایی برخوردار بوده است.

خودشان مسابقه - و گویا نزاع کهنه‌ی سیاسی - خود را ادامه داده بودند و منجر به دستگیری دوستان غیر از آن‌ها شد.

پس از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی و شکل گیری حکومت‌ها و جمهوری‌های جدید، متداوم تیم‌های اروپایی عضو فیفا از ۳۳ تیم به ۴۹ تیم رسید و ظهور تیم‌های ملی جدیدی که اعضای آن تا دیروز با یک پیراهن بازی می‌کردند و اکنون نماینده‌ی دولت و ملی مستقل شده بودند، یادآور جوالت سیاسی آن دوره است.

در جام جهانی ۱۹۹۶ که هیچ تیمی از کشورهای آمریکای جنوبی در جمع چهار تیم نهایی حاضر نبود کشورهای آمریکای جنوبی به اروپا محوری و تبعیض‌ها اعتراض کردند و در آن روزگار این مساله وجهه‌ی سیاسی به خود گرفته بود. در جام جهانی ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸ پیروزی‌های ایتالیا نشان‌های از اقتدار و تقسیم مومسولینی بود در کشور اسپانیا نیز در دوران حکومت دیکتاتوری فرانکو (۱۹۳۸-۱۹۷۵) فوتبال ایرانی بود برای تبلیغات فاشیستی فرانکو و تیم رئال مادرید در آن زمان، تیم مورد حمایت رژیم فرانکوئی (تیم رژیم) بود. رکا رئیس جمهور آرژانتین ملی دیدار آرژانتین و برزیل در شرایطی که تیم ملی آرژانتین در نیمه‌ی اول سه بر صفر از برزیل جلوافتاده بود به ریختن وقت و با اشاره به مسائل سیاسی از بازیکنان درخواست کرد تا بیش از این به برزیل گل نزنند و اظهار داشت که این دیدار باید با نتیجه‌ی مساوی پایان یابد و این مساله به حکایتی طنزآمیز در زمینه‌ی نفوذ و سطوحی سیاست بر فوتبال تبدیل شد. سلویو پروساکونی نخست وزیر و نرومندترین مرد ایتالیا در سال ۱۹۸۶ باش‌گاه ات میلان را خریداری کرد و چهره‌ی سیاسی خود را برای فوتبال به ارمان آورد. او قبل از انتخابات ۱۹۹۳ در ورزشگاه حاضر شد تا تیم‌پوش روی آنتن برود و در حلقه‌ها باقی بماند و در انتخابات برنده هم شد. در عراق در دوران صدام حسین فوتبال نمادی از اقتدار دیکتاتوری او بود و هزینه‌های بسیاری برای آن صرف می‌شد. پس از آتش پس جنگ عراق و ایران در سال ۱۳۶۸ مسابقه‌ی صلح و دوستی میان تیم‌های ملی فوتبال عراق و ایران در کشور کویت برگزار شد و به نشانه‌ی صلح کیت‌های ایران سفید که معنای صلح و صلح‌طلبی و سیاسی این بازی را تشدید می‌کرد.

در سال ۱۹۸۸ نیز مسابقه‌ی ایران و استرالیا فصل شیرین ورزش پس از انقلاب ایران را رقم زد و شادی مردم را به واسطه‌ی شکست دادن حصار انزوی ایران و قدم گذاشتن به عرصه‌های جهانی و از جمله جام جهانی، نشان‌های از تبلور استعدادهای کشور و آغاز دوره‌ی از اختراع و اقتدار ملی ایران بود. در جام ۱۹۹۸ بازی ایران مقابل آمریکا اهمیت سیاسی ویژه‌ی به خود گرفت. روسای جمهور دو کشور (خانمی و کیتسون) قبل از بازی پیام‌هایی دادند و پیروزی ایران در آن مسابقه معنای سیاسی دلچسبی پیدا کرد. حضور گسترده‌ی تماشاگران ایرانی از سراسر جهان در جام ۲۰۰۶-۲۰۰۷ المان نیز، معنای ضمنی بسیاری داشت. از سویه‌ی ایرانیان مقیم سایر کشورها، هوته ایرانی و عشق خود به وطن شان را بازگو کردند و خود را به یاد ما آوردند تا آنها را عاصری حذف شده به شمارنیاوریم و بدانیم که به هر دلیلی - تنها - چهارگرت کرده اند. همچنین تصویر تماشاگران ایرانی سفیدپوش با چهره‌های خندان و شادمان با همان زبانه‌ی ویژه‌ی تژاد آریایی، برآمده‌ی صل و آزادی ایرانیان برای بودن و حضور آزاد و شاد است و گویای نوعی سازش میان تجویزهای حکومتی و خواست‌های مردمی، وحی اساسی حضور کاروان تیم ملی فوتبال ایران به واسطه‌ی تقابل مسابقات جام جهانی با بحران‌های جهانی بر سر مساله انرژی هسته‌ای ایران، نوعی و آمووده‌ی اقتدارگرایانه‌ی سیاسی تلقی شد.

فوتبال - هویت فردی و جمعی:

ورزش ازمن صبر و تحمل، پیگیری و مداریت و مبارزه است. برای بسیاری افراد فوتبال جایی است که فوتبال‌شان مفهوم مبارزه و تلاش را قویا می‌گیرد و با چنگ زدن به پیروزی تبدیل به مردان کاملی می‌شوند. در ایران ورزش از دیرباز عاملی برای مستعدایی به قدرتی بیشتر بوده و مفهوم ورزش در گودهای باشگاهی ما با هویت و منش خاصی آمیخته می‌شود که این هویت و منش از طریق ورزش نمود می‌یابد. فوتبال‌سماها در بافتن روح تلاش و بازتابی قابلیت‌های وجودی خود به دنبال بازتابشاند. خود به دینگران و کسب جای گامی ویژه برای خود هستند این تلاش‌ها از ابتدایی ترین حرکات‌ها در جسات تمرین تا حرکات نمایشی و فیکوهای بازیکنان و مریان در حین مسابقه و همچنین لباس‌ها و آرایش بازیکنان و تماشاگران نمود می‌یابد. برای بسیاری افراد فوتبال درست مثل زندگی است که اگر در آن به‌عمرک باشی عقب می‌مانی. اگر چنگنده باشی بر زمین می‌افتی و نهایی آن نیزند می‌یابند. همان گونه که در زندگی هویت افراد بر اساس جای‌گاه اجتماعی و نوع مناسبات و روابطشان با دینگران و همچنین بر اساس کارکردی که هر فرد در جمع ارائه می‌دهد، شکل می‌گیرد. در زمین فوتبال هم بازیکنان با نحوه‌ی جای‌گیری، نوع حرکات انفرادی و تیمی و ... شناخته می‌شوند.

بازتاب گسترده‌ی فوتبال به آن بعدی ملی می‌بخشد و توده‌ی مردم را درگیر می‌کند و می‌تواند مردم را دچار شور و شغف یا غم و اندوه کند و نیاز افراد را به تعلق اجتماعی به خوبی برآورده سازد. تماشاگرانی که یک تیم را تشویق می‌کنند هم‌مدیر را نمی‌شناسند اما مجموعه‌ی یکپارچه‌ی تشکیل می‌دهند، شماره‌های واحدی سرمی‌دهند. هم‌مدیر می‌شوند در ساعتهای مشخصی به ورزش‌گاه می‌آیند یا پای تلویزیون می‌نشینند و بعد از مسابقه ساعت‌ها درباره‌ی آن حرف می‌زنند و از این طریق منش و روش و احساسات و عواطف و ذرک و تحلیل خود را به یکدیگر نشان می‌دهند. طوفان‌خیزی از یک تیم می‌تواند بازتابنده‌ی ذرک یا احساسات یک گروه یا یک طبقه باشد و می‌توان برای چرایی گرایش افراد به تیم‌ها و باش‌گاه‌های مختلف ریشه‌های روان‌شناختی فردی و جمعی قابل شد، حتی شاید گامی اوقات به کمک روان‌شناسی، رنگ‌ها نیز بتوان درباره‌ی یک تیم و منش و روش جوانان آن حرف زد.

فوتبال - هویت‌انگیزه:

«هویت‌انگیزه» اصطلاحی است که به «هواپاش‌گری» ترجمه شده است و منظور رفتار و منش عده‌ی خاصی از تماشاگران است که با بروز تشدید شده و پرتیگ و بعضی خشن‌وینا نیز احساسات خود سسمی در نشان دادن نوع توجه و روی کرد خود به فوتبال دارند. هویت‌انگیزه اغلب تفکرات و عقاید تژادپرستانه و برتری‌جویانه دارند؛ نمونه‌ی بارز آن را در المان در میان تئوتازی‌های لرهایی و با در میان هواپاش‌گران انگلیسی یا افرادی‌های تفویسی ایتالیا با نام «ولتر ارها» در افرادی‌های اسپانیا با نام «کلاو ائیمپد» می‌توان دید.

همه ساله و در طی مسابقات و جام‌های مختلف، سپس تدابیر امنیتی ویژه‌ی برای مقابله با آشوب و خسارت‌های این دسته از تماشاگران می‌آید. پیش و حضور گسترده‌ی در ورزش‌گاه‌ها از خود شناسان محدود و به این شکل خود را باز هم به یاد مردم و جامعه می‌آورد اما به هر صورت این جریان‌ها نمایانگر نوعی هویت فردی و جمعی بخش غیر قابل انکار از جامعه و جهان امروز است؛ بخشی که شاید حوصله‌اش از دیدن جریان‌های بی‌بهار تجاری و اقتصادی و سیاسی و ... در حوزه‌ی فوتبال سرآمده

او باش‌گری ارضای استعدادها و احساسات سرکوب شده‌ی گروهی از فوتبال‌دوستانی است که به دلیل فقر یا محرومیت یا نداشتن آن «ستاره‌ی اقبال» نتوانسته‌اند فوتبال‌بست بشوند و به زمین مسابقه راه یابند اما مسابقه را با ابزار و روش و زبان خویشان چه در ورزش‌گاه، چه در خیابان و چه در کافه‌ها و پاتوق‌ها ادامه می‌دهند.

تصویر تماشاگران ایرانی سفیدپوش با چهره های خندان و شادمان با همان زیبایی ویژه نژاد آریایی، برآمدهی میل و ارادهی ایرانیان برای بودن و حضوری آزاد و شاد است و گویای نوعی ناسازده میان تجویزهای حکومتی و خواست های مردمی

فوتبال - قاجاق - ارتش - شرمندگی:

در اواسط دهه های هشتاد پیش و کم تمام رسانها از کلمبیا، کاستاریکا و کشورهای آمریکای جنوبی به عنوان مرکز مواد مخدر دنیا یاد می کردند. ۹۷٪ درآمد کشور کلمبیا از صادرات کولمبینه به دست می آید. در سال ۱۹۸۳ وزیر دادگستری کلمبیا (که چند ماه بعد به قتل رسید) گفته بود که مطلقا مواد مخدر فوتبال کلمبیا را بلعده است. در طی یک تحقیق ژورنالیستی معلوم شد که تنها دو یا سه باشگاه درگیر تجارت مواد مخدر هستند. رئیس باشگاه اتلتیکو ناسیونال کلمبیا از سرمایه داران بزرگ کلمبیا بود که در زمینه قاچاق مواد مخدر کار می کرد و چند بار به زندان افتاد. دروازه ان محبوب کلمبیا کسی که حرکات چارچالمانده و خروجه های عجیب و غریب او از دروازه را در جام جهانی ۹۰ ضمن به یاد داریم، در سال ۱۹۹۱ و در پی دستگیری رئیس باشگاه اتلتیکو ناسیونال دستگیر و روانه زندان شد اما این اتفاق هیچ اثر محسوس و تکان دهنده ای در سال ۱۹۹۲ رئیس اتحادیه فوتبال کلمبیا به دلیل ارتباط با باندهای تجارت مواد مخدر راهی زندان شد و پس از آزادی دوباره به زندان افتاد و بلافاصله بعد از او روزی دو باشگاه پیون و سزار ویگاس نیز به همین جرم به زندان افتادند. در سال ۱۹۹۵ که تیم ملی کلمبیا از دیدار با تیم ملی آرژانتین برمی خیزد یکی از بازیکنان تیم ملی کلمبیا به دلیل حمل کولمبین دستگیر شد. براساس گزارش می که دولت کلمبیا در سال ۱۹۹۲ تهیه کرد هشاد درصد از سهام چند باشگاه بزرگ کلمبیا متعلق به باندهای مواد مخدر است و این است که فوتبال آمریکای جنوبی گویای حقیقت تلخ و دردناکی است. اما فوتبال عرصه ای برای بروز برخی روابط فاسد دیگر نیز هست. مثلاً تیانگ و رشوه گیری که با روحیه جوان بروری ورزش منتهی است ولی امروزه به اکثر ورزش ها رسوخ کرده است و نمونه اشکار آن را در فوتبال ایتالیا می توان سراغ گرفت که تعدادی از دروازه ایتالیایی مستحب در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان به دلیل افسانگی و رسوائی ملی در پوشه های رشوه گیری از است فقط خط خورند.

شرمانندگی های کلان سرمایه داران و باندهای شرمانندگی و کارل های مواد مخدر یکی از عوامل دامن زدن به تیانگ و رشوه گیری است. هکاهی که در طی شرمانندگی ها پول های غیر قابل تصویری جا به جا می شود، گاهی مقرر می شود باشگاه های بزرگ و صاحب نام به طور غیر مستقیم برابر باشگاه های کوچک محبوب شوند.

فوتبال - مرگ:

فوتبال در شکل بنامین خود گویای تراغ و نبرد بر سر زندگی و قدرت است. این نبرد تلطیفی هم دارد و هر کجا به طریقی اما آن چه معلوم است این که مرگ های فوتبالی نیز باعث نفوذ هر چه بیشتر فوتبال به پهنای جامعه می ریزد. می شود از مرگ تماشاگران در طی خشونت های داخل ورزشگاه تا مرگ بر اثر شانسی ها و پاشی گوی های ملی و مذهبی پس از پیروزی تیم های ملی مختلف. تجدید باقی شانسی ها و پاشی که بدون توجه به شرمانندگی های ساحان فوتبال کلمبیا بر سر نتیجه بازی ها و بر خلاف اراده و میل آنان صورت می زند نیز چیز دیگری است. قتل بازیکن تیم ملی کلمبیا که در جام جهانی ۱۹۹۲ به اشتباه توپ را وارد دروازه یهودی کرد نشان دهنده ی رنگ های خشونت و تعصب و دستهای پنهان در فوتبال بود. در تاریخ فوتبال مرگ ها و کشتارهای دیگری هم روی داده است که مرتبط با حوادث ناگوار است و غیرمترقبه است. مثلاً مرگ چندین نفر بر اثر فورسجین ورزشگاه که یکی از شهرهای شمالی ایران، مرگ های خوب تری هم هست که از فوجا نابودین جنبه ی تلخ آمیزی یافته اند. مثلاً مرگ بازیکنان فوتبال در چین سابقه بر اثر ساقه زده می با مرگ بازیکنان

فوتبال - تکنولوژی - علم:

فوتبال از درون جامعه ی در حال صنعتی شدن متولد شده و در همین جامعه و هم گام با تحولات آن رشد می کند. پیشرفت علم و تجهیزات انسان به تکنولوژی های مختلف متنوع در حیطه ی ارتباطات تصویری و اطلاعاتی و تجارتی، چیزهای بسیاری برای فوتبال به ارمان آورده است. امکان بخش زنده ی مسابقات از مناظر و زوایای مختلف و با بهترین کیفیتها و امکان مرور بازی ها برای بررسی مشکلات بازی و مرئی گری و داور و کف تقاطق قوت و ضعف تیمها یکی از این وجوه بود. نصب مانیتورهای غول پیکر در ورزشگاهها و تکرار صحنه های ویژه بازی، تماشاگران را به طریق حضور گویانه ی از جنس تکنولوژی چند بعدی، بیشتر در جریان بازی داخل می کند و همچنان کامل تری نفسشان می کند و همچنین حق قضاوت و بررسی بهتر و حفا کامل را به آنها می دهد و این معنای فرهنگی خاصی دارد که نشان گرفته از نوعی مشتری مداری و مردم سالاری است.

گسترش ورزشگاهها و استادیومهای هر چه بیشتر تور، چون، تکنیک های قلم برداری و مخازن های تصاویر، تولید کفش و لباس های ورزشی، ارائه ی رزمه های مختلف تنبیه و روش های روان شناختی برخورد با تیمها و بازیکنان و ... همه و همه در سابه ی رشد علوم و دانش های مختلف امکان پذیر شده و مرتین سطوحی تکنولوژی را به شیوه ای نامحسوس در ناخودآگاه جمعی ما گسترش می دهد. به گویای که فوتبالی تا دیروز از یک توپ و بازه بازیکن تشکیل شده بود امروزه بیون وجود مدیر ارتباطات و بین ساز و مشاور تنبیه و پزشکی و روانکا و ورزشی و ... که هر کدام در رشته ی تخصصی خود کار می کنند، نوعی هتانی بازی به شمار می آید.

گسترش دانش و فناوری ارتباطات تا آن جا رسیده که در جام جهانی هجدهم شاهد استفاده ی داوان از گوی های برای ارتباط با دروازه گنر زمین بودند، حتی پیشنهاد شده بود که در توپ های مسابقه نوعی ترامه کار گذاشته شود تا هنگام عبور توپ از دروازه در دور اطلاع بدهد اما فقط از باز ترقت، شاید به خاطر این که این مساله در نهایت در شکل کامل باقی می چند سال آینده منجر به حذف عامل انسانی خواهد شد. از سوی دیگر مسابقات جهانی فوتبال رو-اتها (زوربوکاب) که همه سه ساله برگزار می شود بیشتر به ایده ی حذف نقش انسان دامن می زند و در مورد ورزشی تا اساسی عرصه ای مکی به نیروی انسانی است. این ایده اندکی غریب است و این همان تامله ی عصر مدرن و پسانمردن است که خود را به دامن فوتبال هم کشانده است.

فوتبال - تجارت - تبلیغات:

امروزه زمین های ورزشی عرصه های شمندگ برای تبلیغ و نمایش نام شرکت های مختلف، از تولیدکننده های آلومینیومی - تصویری تا ارائه دهندگان خدمات اینترنتی و بانکی، از پوشه های ساتوری و هتل ها تا یک فوتبال و کولکول از خودرو تا قطعات راننده، بر طرق غیرررت قیفا استفاده از بیابان های ورزشی تبلیغاتی در جریان مسابقه ممنوع بود اما با فشارها و اعمال نفوذهای مختلف این ممنوعیتها برداشته شد و شاهد هستیم که ام شرکت های بزرگ مثل Nike, adidas, puma داخل هتل بازیکنان تیم های مختلف دنیا درج شده است. این مساله که قوی پرورگی و قوت مند است که در جام جهانی ۷۸ فشار کهنه ی ورزشی تانک که طی قراردادی ده ساله به ارزش چهارصد میلیون دلار حامی تیم ملی برزول شده بود باعث شد تا مرئی این سهم، پهنیده چون اما ممدوم برزول را رونق ی زمین کند چرا که یکی از موزاد فرار داد این بود که او در جام بازی های باید در ترکیب

کامیونی در چین بازی بر اثر عارضه‌ی قلبی و ...
 در هر صورت فوتبال به آسانی صورتی نمادین به خود می‌گیرد و شرح روزگار و جهان را می‌توان به قرائت‌های مختلف و متکثر در آن خواند چه آن جا که به حاد‌های ناب و پدیدار شناسانه و حتا فلسفی یا هنری دیده می‌شود چه آن جا که رنگها معنای خود را از دست می‌دهند و کیفیت سیاسی می‌یابند و چه آن جا که فوتبال بازار مکاره‌ای می‌شود برای هر چه غیر از خودش. فوتبال درست مانند زنده‌گی و آسان بخشی از زنده گی انسان و جهان امروز شده است و بهترین بازیکنان و مربیان جهانی که دارند بهترین و زیباترین و فنی‌تری فوتبال را ارائه می‌دهند نمی‌توانند مطمئن باشند که این فوتبال خودشان است. بازیکنان یا آسان این فوتبال است یا چیزی دیگر.

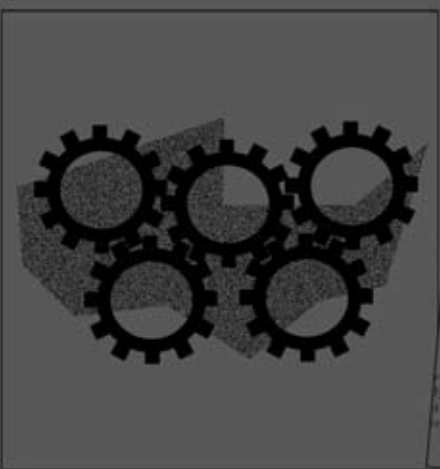
توضیح:

- بازی از اطلاعات تاریخی - ورزشی نقل الکتب «روزگی، روزگاری فوتبال ...» نوشته ی حمیدرضا صدر.

- زیر تیتروختاب به پروانه هالوچرا این شاعر نیمه‌طبی نیستیم - عنوان کلی از رضا پور اهنی.



طرح: علی مفردی، نگاه تازه



طرح: علی مفردی، نگاه تازه

نیم حاضر باشد و بازی بگذرد و دیدیم که وی در آن بازی نمایش بسیار صمیمی داشت و حتا پس از بازی چند ثانیه بی‌هوش شده بود.

هم سوسن تبلیغات تلویزیونی و رسانه‌ای هم زبان با مسابقات بزرگ و جهانی فوتبال نیز بر سرست تبلیغاتی و تجاری فوتبال تأکید دیگری است به طوری که از کالاهای فرهنگی تا ابزار و آلات ساختمانی و مواد غذایی و بانکها و ... همه به نوعی خود را با بازار جهانی فوتبال هم‌پوشی کنند. حتی جام جهانی عربستانی می‌شود برای سطح شدن و صلح کردن خوشبختها و گروه‌های موسیقی و بازیکنان و شخصیت‌های مختلف دنیا و این نیز یکی از مظاهر تبدیل فوتبال به ابزاری غیر ورزشی است.

فوتبال - تجارت - دلالت:

امروزه باش گانه‌ی ورزشی بیشتر به شکل بانک‌های ورزشی در آمده‌اند که کارشان خرید و فروش بازیکنان است. باش گانه‌ی قدرت مند و ثروتمندی که به شبکه‌ها و پیاده‌های اقتصادی بزرگ و غیر قابل باوری تبدیل شده‌اند از طریق گسترش دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و تشکیل کلکسیون‌های بهترین بازیکنان و مربیان موفقیت‌های ورزشی خود را نیز تقسیم می‌کنند. گرچه عقد قرارداد با بازیکنان و مربیان و شرکت های اسپانسر و قراردادهای فروش بازی‌ها به شبکه‌های تلویزیونی بیشترین عواید را نصیب کسانی می‌کند که اساس از جنس ورزشی و فوتبال نیستند بلکه بیشتر دلالت ورزشی می‌یابند. این دلالت‌ها حتا تا تشکیل بازار سیاه بلهنا مسابقات و اعزام کاروان‌های هواداران به مسابقات مختلف را نیز شامل می‌شود برای مثال در فینال جام باش گانه‌ی اروپا بین دو تیم میلان و بارسلونا تمدا ۴۵۰ دستگاه آپروپوس، یک کسبی و ۴۵ هواپیمای شامل ۳۵ هزار نفر تماشاگر از ایتالیا به بارسلونا رفتند که عواید بسیاری برای باش گانه میلان و واسطه‌های این سفرها داشت.

فوتبال - تجارت - تلویزیون:

فوتبال همیشه نزدیکی با تلویزیون دارد و از این منجر استوری تلویزیون را هر چه بیشتر به روان جامعه فرو می‌فرستد. استوری‌های که دارای عجیب‌ترین و قویترین و فراگیرترین ساختار رسانه‌ای است.

حکام‌های مسابقات بزرگ جهانی، فینال‌ها، جام باش گانه‌ها، داربی‌ها و مسابقات حساس، هنگامی سواپور و لنتیجستی برای مدیران شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره ای و همچنین برای باش گانه‌هاست. فروش امتیاز پیش‌زنده‌ی مسابقات فوتبال یکی از اصلی‌ترین راه‌های کسب درآمد برای باش گانه‌ها به شمار می‌رود. شبکه‌های تلویزیونی نیز با پیش زنده‌ی بازی‌ها فرصت می‌یابند تا قیمت تبلیغات و اگهی‌های تلویزیونی خود را بالا ببرند و درآمد بیننده‌ی بیشتری کسب کنند.

مورد جالبی از مناسبات میان تلویزیون و فوتبال «مربح‌دار مرداک» سرمایه‌دار بزرگ انگلیسی و صاحب کانال تلویزیونی SKY بود که در سال ۱۹۹۸ باش گانه منچستر یونایتد را خریداری کرد اما به دنبال اعتراض شدید و تظاهرات هواداران این باش گانه وزارت تجارت و صنایع انگلستان این معامله را باطل کرد.

خرید امتیاز پیش زنده‌ی جام جهانی ۲۰۰۶ به دلیل قیمت‌های سرسام‌آور از عهده‌ی بعضی از کشورها برنیامد و مورد اعتراض برخی از کشورها از جمله کشورهای عربی واقع شد اما کشورهایی که به دلایل مختلف پیش این سری از بازی‌ها برای باش گانه بود آن را خریداری کردند.

فوتبال به آسانی صورتی نمادین به خود می‌گیرد و شرح روزگار و جهان را می‌توان به قرائت‌های مختلف و متکثر در آن خواند. چه آن جا که به حادثه‌های ناب و پدیدار شناسانه و حتا فلسفی یا هنری دیده می‌شود، چه آن جا که رنگها معنای خود را از دست می‌دهند و کیفیت سیاسی می‌یابند و چه آن جا که فوتبال بازار مکاره‌ای می‌شود برای هر چه غیر از خودش.